

یادداشت:روزنامه‌نگار مستعفی

گردشگری در بچ میلاد



لیلی فرهادپور

● دوران جشنواره فیلم فجر دورانی است که تمام خصلت‌های گردشگربودنم در حوزه فرهنگ محل جولان به خود می‌گیرد، فکر کنيد با کارت خبرنگار بر سينه‌ات می‌روی رو فرش قرمز که به‌عنوان بازیگر عکس یادگاری بگیري! شب دوم، بعد از دیدن فیلم «تابستان داغ»، بیشتر از قبل به دوستی و کار با کارگردان جوان آن؛ یعنی «ابراهیم ایرج‌زاد» افتخار کردم. در همان دو، سه سکانسی که در فیلم حضور داشتیم، به کلیتی که این کارگردان با عوامل فیلمش به آن رسیده بود، واقف شدم. کارکردن این جوان با سوپرستارهایی همچون علی مصفا، صابر ابر، مینا ساداتی و پریناز ایزدیار کار ساده‌ای نبود؛ البته فکر می‌کنم این بازیگران حرفه‌ای، در این فیلم بهترین بازی‌هایشان را ایفا کردند؛ اگرچه هماهنگی کامل ابراهیم با هومن بهمنش به‌عنوان یک فیلم‌بردار مؤلف کار را برای کارگردان تا حدی روان کرده بود. از سوی دیگر فیلم‌نامه‌ دارای قصه‌ای کامل و بی نقص بود. آن موقع که سکانس‌های مرا می‌گرفتند، هنوز سکانس بسیار مهم پشت‌بام گرفته نشده بود و من هم مانند همه عوامل نگران درآمدن آن سکانس بودم و شب دوم در برج میلاد، دیدن آن خیال مرا راحت کرد، چراکه سکانسی فوق‌العاده از آب درآمده بود. امیدوارم ایرج‌زاد قدر این زحماتش را در آخر جشنواره ببیند.

اما در این چند روز اول به نظر من پدیده جشنواره، فیلم «او» (خانه)، کار اصغر یوسفی‌نژاد بود؛ این کارگردان محبوب شهرستانی که بعد از یک عمر کار در صداوسیما ی تبریز حال فیلمی ساخته و به نمایش درآورده که نشان می‌دهد گاهی حاشیه از مرکز جلو می‌زنند! نقد و مرور فیلم بماند برای بعد. موضوعی که من می‌خواهم اشاره کنم، استفاده از زبان اصلی؛ یعنی ترکی در این فیلم است. فیلم‌ساز باید بتواند فیلمش را به زبان مادری‌اش بسازد و در سرزمین ما که قوم‌ها، زبان‌ها و گویش‌های مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند، هنرمند باید حق داشته باشد که فرهنگ و زبان خود را در هنرش به کار گیرد. شنیدم که برخی از نقادها خرده می‌گرفتند که چرا فیلم به زبان ترکی با زیرنویس فارسی است. مثل فقط یک لحظه فکر کنید اگر داروان اسکار و کن به فرهادی اجازه نمی‌دادند، چون فیلمش زیرنویس انگلیسی داشت. امان از ملانقطی‌ها...

بی‌تردید فیلم «او» یک جهش قابل‌لمس در کارنامه (تله‌فیلم و سریال‌های تلویزیونی) اصغر یوسفی‌نژاد محسوب می‌شود و نخستین تبریک‌را باید به ایشان گفت که سال‌ها خدمت در صداوسیما و ساخت فیلم در تلویزیون چشمه‌های خلاقیت و نگاه زیبایی‌شناسانه ایشان را تحت‌تأثیر قرار نداده است. این فیلم یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های ساخته‌شده به زبان ترکی است. استفاده تحسین‌برانگیز و به‌کارگیری درست و مستحجم ادبیات ترکی، مانوس با شخصیت‌ها و طبقه اجتماعی آنهاست و فضاسازی درستی شکل می‌گیرد. جسارت کارگردان در بیان موضوع و انتخاب شیوه روایی که بی‌شک برای گروه سازنده چالش‌هایی دربر داشته است. قاری قرآن که برای خرید خرما می‌رود، غیب می‌شود، روحانی فیلم گذشته متفاوتی داشته، عشق پنهان مجید به سایه و خانه‌ای که در آن قرآن پیدا نمی‌شود ...و.. اما بیش از هرچیز بازی سه بازیگر فیلم بسیار ستودنی است. رامین ریاضی در نقش مجید ایفای نقش درخشانی دارد و نقطه اتصال آدم‌های مختلف به یکدیگر است و بی‌کمان ترکی، هیئت داروان کج‌سلیقگی نکنند، باید نام او را جز: کاندیداها دید. محدثه حیرت و رضا باقری نیز در ایفای نقش خود به‌اندازه و یکدست عمل می‌کنند.

فیلم‌برداری فیلم که ازسوی حمید مهرافروز انجام گرفته، کاملاً در خدمت ایده و فضای فیلم عمل می‌کند.

تنها افت فیلم در قصه و روایت، بعد از حضور شخصیت نادر و هم در بازی بازیگر نقش نادر است. ما که از ابتدا منتظر حضور او هستیم، با یک کاراکتر کارنشته و معمولی و پالین‌تر از کلیت فیلم مواجه می‌شویم و کمی لحن فیلم سمت‌وسوی جتایی پیدا می‌کند. نمایش‌ن دادن جسد در طول فیلم، صحنه به‌آغوش کشیدن نادر و سایه که دوربین روی مجید توقف می‌کند، صحنه درخشان گریه مجید در زیر دالان و گریه سایه در آخر فیلم که برده‌شدن جسد از پشت پرده دیده می‌شود، از لحظات حسی چشمگیر فیلم به‌شمار می‌آید. در نهایت باید از عوامل این فیلم که بی‌ادعا و کوشا فیلمی را روانه جشنواره فجر کرده‌اند که موجب سربلندی و بالندگی است تشکر کرد و به‌گمانم آثاری از این دست الهام‌بخش فیلم‌سازان مستعد دیگری نیز خواهد بود.



سحر عسمر آراد

«آبی کمرنگ» مستندی است روان‌کاوانه درباره چهار جانباز اعصاب و روان که تلاش می‌کند زوایایی پنهان از زندگی روزمره و گذشته و آینده آنها را به تصویر بکشد. آرش لاهوتی بعد از مستند «راننده و روباه» که به سوزه‌ای خاص و بکر می‌پرداخت، این‌بار سراغ موضوع و سوزه‌ای عام‌تر به جهت رویکرد مستندسازان رفته است. در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی و در مقاطع مختلف، فیلم‌های مستند متعددی به جانبازان این جنگ به‌ویژه جانبازان اعصاب و روان پرداخته‌اند؛ سوزه و شخصیت‌هایی که هیچ‌گاه کهنه و قدیمی نمی‌شوند و این زاویه نگاه مستندسازان است که در هر مقطع و زمانی می‌تواند وجهی تازه و بکر در پرداختن به آنها پیدا کند. قطعاً با گذر زمان و فاصله‌گرفتن از جنگ، تبعات و عوارض آن بر سوبه‌های مختلف جامعه عمیق‌تر و دردناک‌تر می‌شود. به‌ویژه وقتی تبعات انسانی محور یک فیلم مستند قرار بگیرد، آن‌هم درباره قهرمانانی که روزی حماسه آفریدند و امروز در گوشه‌ای آرام‌آرام می‌سوزند و فراموش می‌شوند. با توجه به همه امتیازات بالقوه‌ای که پرداختن به این سوزه محوری دارد و تعدد آثاری که در این حیطه ساخته شده، آنچه می‌تواند اقدام برای ساخت یک مستند جدید

یک پنجره برای دیدن

تردد میان خیال و واقعیت

درباره جانبازان اعصاب و روان را واجد اهمیت و امتیازی جدید کند، همان زاویه نگاهی است که از دل تکرار درد، نوری به تاریکی بتاباند و دیده مخاطب را روشن کند. آرش لاهوتی با انتخاب چهار شخصیت به‌عنوان سوزه‌های محوری این مستند، تلاش کرده به شکلی دراماتیک بر زمینه مستند حرکت کند؛ به‌همین‌دلیل هم انتخاب این شخصیت‌های واقعی از میان یک جمع اهمیتی ویژه دارد. آدم‌هایی که بر مرز میان خیال و واقعیت در تردد هستند و امید آنها بازگشت به زندگی واقعی و میان مردم و جامعه‌ای است که برای حفظ آن به آب و آتش زدند و به خاکستر نشستند. از این وجه «آبی کمرنگ» هوشمندی فیلم‌ساز را در بهره‌بردن از دستمایه‌های مستند برای درام‌پردازی مورد توجه قرار می‌دهد که می‌تواند همان زاویه نگاه منحصربه‌فردی باشد که فیلم را متمایز می‌کند؛ به‌ویژه تمرکز بر جلسه‌های تریابی گروهی و انفرادی که وجهی از روحیه جمعی و شخصی هریک از این شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد که در تکمیل پازل شخصیتی آنها مؤثر است؛ چراکه در واقع با کنار هم قراردادن قطعات این پازل است که شمای اصلی هریک از این جانبازان شکل گرفته و به گفته بهتر تصویر آنها به‌عنوان قهرمانان بی‌بی‌نوشان دیروز وضوح پیدا می‌کند. «آبی کمرنگ» فیلمی است که اهمیت خود را از زاویه نگاه سازنده‌اش به سوزه‌هایی می‌گیرد که بسیار به آنها پرداخته شده؛ اما کمتر فیلمی این‌چنین به عمق لایه‌های درونی این شخصیت‌ها نفوذ کرده است.

هنر

بر بال سیمرغ

بلا تکلیفی میان جشن و جشنواره؟



مهرداد حجتی

جشنواره یا جشن؟ پرسشی به قدمت ۳۵ سال. در اینکه سینمای ایران به یک جشنواره نیاز دارد تردیدی نیست، اما اینکه با نام‌گذاری یک رخداد به‌عنوان جشنواره این تصور پدید آید که واقعا جشنواره‌ای در قواره ملی برگزار می‌کنیم از سوی بسیاری مورد تردید است؛ اتفاقی که همه‌ساله رخ می‌دهد و همچنان هم ادامه دارد. همه‌ساله میلیاردها تومان هزینه می‌شود تا مراسم ۱۱روزه دهه فجر هرچه باشکوه‌تر برگزار شود. اگر در سال‌های نخست، جشنواره فقط در پایتخت برگزار می‌شد، حالا چندسالی هست که در شهرها و استان‌های دیگر هم برگزار می‌شود. برگزار می‌شود تا لاقل جشن سالگرد انقلاب باشکوه برگزار شده باشد، اما چرا در طول این همه سال مدیر با مسئولی در پی روشن‌کردن این ابهام برنامه‌ده است؟ شاید به این دلیل که همه مدیران عمدتا در پی برگزاری جشن بوده‌اند تا جشنواره و البته در کنار آنها گروهی از سینماگران هم بوده‌اند که به این رویکرد دامن می‌زده‌اند. ریخت‌پاش جشن می‌تواند اغواکننده باشد. می‌تواند خیره‌کننده و پرسروصدا باشد، اما هرچه هست فقط یک جشن است و بس؛ جشنی که در میان همه هیاهوهای آن می‌توان گروه کنیسی از هنرمندان، مردم و رسانه‌ها را گرد آورد تا روزها و شب‌هایی را با تماشای فیلم شادی کنند.

کدام آهنگ‌سازان در فجر ۳۵ حضور دارند؟

از آهنگ‌ساز فرهادی تا تجربه‌های نوِ شجریان



لقب پرکارترین را داشت، با سه فیلم، ستار اورکی، آهنگ‌ساز فیلم‌های اخیر اصغر فرهادی با سه فیلم، پیمان زندانیان پس از چندین سال کم‌کاری در سینما با دو فیلم، حامد ثابت، آهنگ‌ساز جوان و باذوق سینما که یک سیمرغ هم در کارنامه‌اش دارد، با دو فیلم و

علیرضا کهن‌دیری، آهنگ‌ساز قدیمی سینما و تلویزیون هم با دو فیلم در جشنواره حاضرند. محمدرضا علیقلی که چهار سیمرغ و ۱۵ بار نامزدی در کارنامه‌اش دارد، امسال با انیمیشن «رهایی از بهشت»، ساخته علی نوری‌اسکونی که تنها انیمیشن حاضر در سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر است، در جشنواره حضور دارد. بهزاد عبدی هم که لقب پرکارترین آهنگ‌ساز امسال را از آن خود کرده، با فیلم‌های «بشت دیوار سکوت» (مسعود جعفری جوزانی)، «کارگر ساده نایزمدیم» (منوچهر هادی)، «سوفی و دیوانه» (مهدی کرم‌پور)، «قاتل اهلی» (مسعود کیمیایی)، «کمدی انسانی» (محمدهادی کریمی) و «ماه‌گرفتگی» (مسعود کیمیایی) در جشنواره فیلم فجر حضور دارد. کارن همایون‌فر، آهنگ‌ساز فعال سینما، هم با چهار نامزدی و دو سیمرغ با سه فیلم «زیر سقف دودی» (پوران

درخشنده)، «خفگی» (فریدون جیرانی) و «آذر» (محمد حمزه‌ای) در جشنواره حضور دارد. پیمان زندانیان آهنگ‌ساز بی‌حاشیه و آرام سینمای ایران که پیانست قابلی هم هست و در سال‌های اخیر از میزان فعالیت‌هایش به‌شدت کاسته شده بود، در جشنواره سی‌وپنجم با فیلم‌های «سارا و آیدا» (مازنا میری) و «بدون تاریخ، بدون امضا» (وحید جلیلوند) حاضر است. امیر توسلی، آهنگ‌ساز نام‌آشنای ایرانی، هم امسال آهنگ‌سازی فیلم «گشت ارشاد ۲» را به عهده داشته که قطعا به دلیل حضور او پر از فضاهای فانتزی صوتی خواهد بود.

کریستف رضاعی هم که در دو سال گذشته با موسیقی فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» حسابی نامش سر زبان‌ها افتاد، از دیگر آهنگ‌سازان حاضر در جشنواره امسال است که با فیلم «نکار» رامبد جوان به این میدان وارد شده. باید نشست و منتظر ماند که آیا این موسیق‌ها هم بعد از «در دنیای تو ساعت چند است؟» و «ازدها وارد می‌شود»، می‌تواند موفقیت‌های او را تکرار کند. سهراب پورناظری، آهنگ‌ساز جوان و پرشور، هم که قطعاتش با اجراهای همایون شجریان

شاید از همین‌رو معادل «فستیوال» را «جشن‌واره» گذاشته‌اند. هرچه باشد بیشتر به جشن شبیه است تا جشنواره. اگر در آغاز فقط جشنواره فیلم بود، در فواصلی جشنواره‌های دیگر هم به آن اضافه شده‌اند. ابتدا تئاتر با فاصله کمی و بعدها موسیقی و حالا تجسمی هم به جمع «جشن‌واره»‌های فجر اضافه شده‌اند تا دیگر هنری از قلم نیفتاده باشد. اگر در ابتدا فقط سینماگران را به بهانه فستیوال به یک جشن دعوت می‌کردند، حالا همه هنرمندان به این جشن‌ها دعوت می‌شوند. همه هنرمندان در همه زمینه‌ها، حتی خوانندگان سبک «پاپ» و «راک»! همان‌ها که سال‌ها از فعالیت منع می‌شدند و هنرشان به دیده منفی نگریسته می‌شد! این دورهمی هنری سالانه بیش از آنکه برای هنر و هنرمندان مفید باشد برای کارنامه مدیران مفید است؛ همان‌ها که می‌خواهند همه‌ساله رقم هنگفتی را از خزانه ملت هزینه کنند تا بعدها گفته شود که او باعرضه‌تر از دیگران بود که توانست باشکوه‌تر برگزار کند، اما هیچ‌گاه پرسیده نمی‌شود که چرا جشنواره‌ای به قدمت ۳۵ سال کاخی مستقل از آن خود ندارد؟ چرا پرسیده نمی‌شود چرا هنوز پس از ۳۵ سال قوانین مدونی برای برگزاری آن وجود ندارد؟ آیا بیشتر به این دلیل است که دوره مدیریت‌ها کوتاه و متزلزل است؟ یا اینکه اندیشه «نهادسازی» اساسا در میان مدیران ما جایی ندارد؟ چرا از تجارب پیشین همین سینما استفاده نمی‌شود تا جشنواره‌ای درخور شان این سینما برگزار شود؟ جشنواره‌ای ملی که بتوان به آن بالید و جوایزش را در روند فیلم‌سازی تأثیرگذار دانست؟
--

مورد استقبال بسیار قرار گرفته و آلبوم «آرایش غلیظ» او بسیار شنیده شد، امسال آهنگ‌سازی «رگ خواب»، فیلم دیگری از حمید نعمت‌الله را به عهده داشته که باز هم همایون در آن به اجرای قطعات پرداخته. ستار اورکی که نامش در سال‌های اخیر با فیلم‌های اصغر فرهادی گره خورده و اگر خاطراتان باشد در لحظه دریافت جایزه اسکار «جدایی نادر از سیمین» موسیقی او در کدک تیاتر طنین‌انداز شد، امسال با دو فیلم کوتاه و مستند «ویلائی‌ها» (به کارگردانی منیر قیبدی) و «مادری» (به کارگردانی رقیه توکلی) و همچنین فیلم «فصل نرس» به کارگردانی نگار آذربایجانی در جشنواره حضور دارد. حامد ثابت، آهنگ‌ساز جوان و خوش‌قریحه که یک سیمرغ هم در کارنامه‌اش دارد، امسال آهنگ‌سازی «تابستان داغ» (ابراهیم ایرج‌زاد) را بر عهده داشته است. آریا عظیمی‌نژاد هم که نامش با موسیقی سریال‌های پربیننده‌ای مانند «پایتخت» همراه است، در جشنواره امسال ساخت موسیقی فیلم «خوب، بد، جلف» (به کارگردانی پیمان قاسم‌خانی) را به عهده داشته. علیرضا کهن‌دیری، آهنگ‌ساز قدیمی و نام‌آشنای سینما و تلویزیون که چهار نامزدی را در کارنامه‌اش دارد، امسال با فیلم «ک یک روز بخصوص» به کارگردانی همایون اسعدیان و «بیست‌ویک روز» (به کارگردانی سیدمحمدرضا خرمندان) در جشنواره حاضر است. بابک میرزاخانی، آهنگ‌ساز خوش‌آهنگ و خوش‌قریحه، هم که چندسالی است نامش بر سر زبان‌ها افتاده، برای فیلم «کوپال» (کاظم ملایی) موسیقی ساخته است. یحیی سپهری‌شکیب که از خانواده علیرضا داوودنژاد محسوب می‌شود و نامش اولین‌بارها با او شنیده شد، امسال هم «فراری» (علیرضا داوودنژاد) را آهنگ‌سازی کرده است. حبیب خرابی‌فر هم که پیش‌ازاین در همکاری با محمدحسین مهدویان موسیقی «ایستاده در غبار» را ساخته بود، امسال ساخت موسیقی فیلم دیگر او با نام «ماجرای نیمروز» را برعهده داشته است.

زیر آسمان فیر وزم‌ای
در خاک سپاری کاظم افرنديا مطرح شد دست‌مزد کم معمای شاه
● شرق: پیکر کاظم افرنديا صبح سه‌شنبه، ۱۲ بهمن، از مقابل خانه شماره ۲ سینما تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا خاک سپاری شد. در این مراسم که هنرمندانی چون محسن قاضی‌مرادی، پرستو صالحی، محمد شیر، مهدی میامی، رامین برجمی، مهوش وقاری، علیرضا جاویدینا و... حاضر بودند، کرامان ملکی گفت: اگرچه با وجود پیشرفت علم، عالمان نتوانسته‌اند مرگ را شکست دهند، اما هنرمندان با هنرشان توانستند مرگ را شکست داده و تا ابد باقی بمانند. همه مُتَشَدِّی‌های تئاتر و سینما امروز جمع شده‌اند تا رفقیشان را که همواره رفاقتش را ثابت کرده بود، تشییع کنند. همچنین خسرو امیرصادقی، تهیه‌کننده سینما، گفت: کاظم عزیز مظلوم واقع شد، اگرچه دستان بسته است و کاری نمی‌شود کرد و هروقت بخواهیم حرفی برنیم می‌گویند امروز وقتش نیست. پس کی باید گفت و چه وقت باید به درد پیش‌گسوت رسید. من اهل سیاست نیستم، اما اگر دو درصد از همین پول‌هایی را که معلوم نیست چه می‌شود، برای رسیدگی به پیش‌گسوتان هنرمند بگذاریم، خیلی از مشکلاتمان حل می‌شود. او با افرنديا از سال ۵۲ آشنا شده است و با هم خارج از مسئله هنری، روابط خانوادگی نیز داشتند. از نظر او، کاظم افرنديا بی‌حاشیه و مظلوم بود و اصلا اهل داویدپاد و حاشیه‌سازی نبود. او در بدترین شرایط کارش را می‌کرد و به حاشیه‌ای نمی‌پرداخت. متأسفانه کسی که ۵۷ سال در این هنر کار کرده، هنوز اجاره‌نشین است و این دردی است که برای خیلی از هنرمندان همچنان بی‌درمان است. امیرصادقی به اواخر زندگی افرنديا اشاره کرد که سالی ۱۰میلیون هم کار نمی‌کرد، حتی برای سریال معمای شاه شش‌شش‌میلیون تومان بیشتر به او دست‌مزد ندادند. به گفته منوچهر شاسورای، مدیرعامل خانه سینما، متأسفانه بخش اعظمی از اهالی سینما در شرایط سخت کار می‌کنند. قطعا حق این افراد بیش از این است و همه موظف‌اند با دست، قلم و بیانشان نیازی که به‌طور واقعی برای این افراد است مطالبه کنند و حق برزمنی‌مانده این عزیزان را بخواهند. عزت‌الله رمضانی‌فر هم با بیان اینکه دست اجل دوباره یکی از دوستان و یاران صدیق ما را گرفت، گفت: سیدکاظم به دلیل سخته مغزی درگذشت. فشار بی‌کاری و کم‌کاری هنرمند را به اینجا می‌رساند و ما بارها این را گفته‌ایم، اما کجاست گوش شنوا.

دور ایران برگزار شد

که به دلیل مشکلات جسمی با مادرش به سالن آمده بود، با اجرایی دانش‌پژوهی شرکت‌کننده‌های اولین دوره وکب‌کنسرت را تحت تأثیر خود قرار داد.

ایمان پندی، مبتکر و مدرس وکب‌کنسرت اظهار امیدواری کرد که با توجه به استقبال فوق‌العاده مردم از این شیوه آموزشی، دومین وکب‌کنسرت آموزشی-پژوهشی زبان انگلیسی را اوایل اسفندماه سال جاری برگزار کند. علاوه بر آموزش کدینگ ۵۰۴، قرار است به‌زودی برنامه‌های دیگری نیز از سوی این مدرسه اعلام و اجرا شود.

رجب‌پوری که با حضور سرزده خود در این مراسم، به توصیف طنزآمیز وضعیت زبان انگلیسی‌اش پرداخته بود، موجی از خنده را در سالن همایش‌های سرای محله جماران به راه انداخت. در بخشی از این برنامه ایمان پندی، مدرس وکب‌کنسرت، نیز دو آهنگ ساخته‌شده خود را برای حضار اجرا کرد و واژگان ضروری زبان انگلیسی در محیطی کاملا بانشاط و شوراکنیز آموزش داده شد. یکی دیگر از میهمانان این برنامه، فاطمه‌خانم، دختر مشهور این روزهای مجازی، بود که با اجرای خود، حضار را به وجد آورد. فاطمه

شماره فیلم فجر - روز دوم

انحصار ورثه

تابستان داغ

چراغ‌های ناتمام

تابستان داغ	دعوت‌نامه	شماره ۱۷ سهیلا	چراغ‌های ناتمام
بی‌ارزش	بی‌ارزش	یک ستاره	بی‌ارزش
–	–	–	–
–	–	یک ستاره	بی‌ارزش
دو ستاره	بی‌ارزش	دو ستاره	–

عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، بی‌ارزش، دیده‌نشده = دیده‌نشده / ● = بی‌ارزش / ❌ = بد ❖ = متوسط ❖❖❖❖ = خیلی خوب/ ❖❖❖❖❖ = عالی

یک پوستر، یک جشنواره

نگاهی به پوستر فیلم سارا و آیدا/مازنا میری خال پیک، خال دل؛ سارا یا آیدا؟



احمدرضا دالوند



● طرح از استعاره ورق بازی/ card game برای بیان فشرده و نمادین داستان فیلم سارا و آیدا، ساخته مازنا میری، در پردازش پوستر بهره گرفته است. با کمی دقت در چگونگی طراحی پوستر این فیلم درمی‌یابیم که در نیمه بالایی و نیمه پایینی پوستر به تئاب چهره‌های مخدوش و چهره‌های سالم به حالت وارونگی یا تاحدودی حالت آیینگی؛ تکرار می‌شوند. در نیمه پایینی پوستر فیلم سینمایی «سارا و آیدا» از نماد خال پیک/ Spades استفاده شده که در تعبیری دیگر از آن با عنوان «دل سیاه» یاد می‌شود و سمبل مرگ به حساب می‌آید. اما در نیمه بالایی پوستر، طرح از نماد خال دل/ Hearts بهره گرفته است که نمادی از عشق و مهر است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: سارا و آیدا دوستان صمیمی هستند که آبروی یکی از آنها به خطر افتاده و حالا باید به کمک هم شرایط را به حالت عادی بازگردانند. اما این دو دوست تا کجا پای یکدیگر می‌ایستند؟ با این شرح موجز باید دید کدام‌یک از این دو دوست – سارا و آیدا– نماد

خال پیک با دل خال دل هستند. آرش صادقی در کاربرد موفقیت‌آمیز نمادشناسی هوشمندانه در پوستر این فیلم، برای مخاطبانی که هنوز فیلم را ندیده‌اند، حس کنجکاوی و میل به کشف گرهِ فیلم را ایجاد می‌کند و با «تواتر» دوتصویری و جابه‌جایی چهره‌ها و حالت‌های شخصیت‌های فیلم «سارا و آیدا» نوعی تعلیق به طرز موجز و فشرده در حدی که از مدیای پوستر برمی‌آید فراهم می‌کند. سیاهی و سفیدی نیز در پردازش این پوستر به‌خاطر شگفتی و جذابیت به کار رفته، بلکه بار معنایی در ادامه استعاره «ورق بازی»، مجاز از انتقال مفهوم «مرگ» و «مهر» را تکمیل می‌کند.

۱. آیینگی / فارغ از معانی عرفانی «آیینگی»، نقل است که خاصیت آیینگی، در صورت پردازش ممتاز داستان، تصویری است که از یک چهره خیالی یا واقعی در قصه، پابر جا مانده و می‌ماند و هرکس به فراخور حال تصویر خویش را در آن می‌بیند.

تواتر/ frequency

زیر آسمان فیر وزم‌ای
در خاک سپاری کاظم افرنديا مطرح شد دست‌مزد کم معمای شاه
● شرق: پیکر کاظم افرنديا صبح سه‌شنبه، ۱۲ بهمن، از مقابل خانه شماره ۲ سینما تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا خاک سپاری شد. در این مراسم که هنرمندانی چون محسن قاضی‌مرادی، پرستو صالحی، محمد شیر، مهدی میامی، رامین برجمی، مهوش وقاری، علیرضا جاویدینا و... حاضر بودند، کرامان ملکی گفت: اگرچه با وجود پیشرفت علم، عالمان نتوانسته‌اند مرگ را شکست دهند، اما هنرمندان با هنرشان توانستند مرگ را شکست داده و تا ابد باقی بمانند. همه مُتَشَدِّی‌های تئاتر و سینما امروز جمع شده‌اند تا رفقیشان را که همواره رفاقتش را ثابت کرده بود، تشییع کنند. همچنین خسرو امیرصادقی، تهیه‌کننده سینما، گفت: کاظم عزیز مظلوم واقع شد، اگرچه دستان بسته است و کاری نمی‌شود کرد و هروقت بخواهیم حرفی برنیم می‌گویند امروز وقتش نیست. پس کی باید گفت و چه وقت باید به درد پیش‌گسوت رسید. من اهل سیاست نیستم، اما اگر دو درصد از همین پول‌هایی را که معلوم نیست چه می‌شود، برای رسیدگی به پیش‌گسوتان هنرمند بگذاریم، خیلی از مشکلاتمان حل می‌شود. او با افرنديا از سال ۵۲ آشنا شده است و با هم خارج از مسئله هنری، روابط خانوادگی نیز داشتند. از نظر او، کاظم افرنديا بی‌حاشیه و مظلوم بود و اصلا اهل داویدپاد و حاشیه‌سازی نبود. او در بدترین شرایط کارش را می‌کرد و به حاشیه‌ای نمی‌پرداخت. متأسفانه کسی که ۵۷ سال در این هنر کار کرده، هنوز اجاره‌نشین است و این دردی است که برای خیلی از هنرمندان همچنان بی‌درمان است. امیرصادقی به اواخر زندگی افرنديا اشاره کرد که سالی ۱۰میلیون هم کار نمی‌کرد، حتی برای سریال معمای شاه شش‌شش‌میلیون تومان بیشتر به او دست‌مزد ندادند. به گفته منوچهر شاسورای، مدیرعامل خانه سینما، متأسفانه بخش اعظمی از اهالی سینما در شرایط سخت کار می‌کنند. قطعا حق این افراد بیش از این است و همه موظف‌اند با دست، قلم و بیانشان نیازی که به‌طور واقعی برای این افراد است مطالبه کنند و حق برزمنی‌مانده این عزیزان را بخواهند. عزت‌الله رمضانی‌فر هم با بیان اینکه دست اجل دوباره یکی از دوستان و یاران صدیق ما را گرفت، گفت: سیدکاظم به دلیل سخته مغزی درگذشت. فشار بی‌کاری و کم‌کاری هنرمند را به اینجا می‌رساند و ما بارها این را گفته‌ایم، اما کجاست گوش شنوا.

زیر آسمان فیر وزم‌ای
در خاک سپاری کاظم افرنديا مطرح شد دست‌مزد کم معمای شاه
● شرق: پیکر کاظم افرنديا صبح سه‌شنبه، ۱۲ بهمن، از مقابل خانه شماره ۲ سینما تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا خاک سپاری شد. در این مراسم که هنرمندانی چون محسن قاضی‌مرادی، پرستو صالحی، محمد شیر، مهدی میامی، رامین برجمی، مهوش وقاری، علیرضا جاویدینا و... حاضر بودند، کرامان ملکی گفت: اگرچه با وجود پیشرفت علم، عالمان نتوانسته‌اند مرگ را شکست دهند، اما هنرمندان با هنرشان توانستند مرگ را شکست داده و تا ابد باقی بمانند. همه مُتَشَدِّی‌های تئاتر و سینما امروز جمع شده‌اند تا رفقیشان را که همواره رفاقتش را ثابت کرده بود، تشییع کنند. همچنین خسرو امیرصادقی، تهیه‌کننده سینما، گفت: کاظم عزیز مظلوم واقع شد، اگرچه دستان بسته است و کاری نمی‌شود کرد و هروقت بخواهیم حرفی برنیم می‌گویند امروز وقتش نیست. پس کی باید گفت و چه وقت باید به درد پیش‌گسوت رسید. من اهل سیاست نیستم، اما اگر دو درصد از همین پول‌هایی را که معلوم نیست چه می‌شود، برای رسیدگی به پیش‌گسوتان هنرمند بگذاریم، خیلی از مشکلاتمان حل می‌شود. او با افرنديا از سال ۵۲ آشنا شده است و با هم خارج از مسئله هنری، روابط خانوادگی نیز داشتند. از نظر او، کاظم افرنديا بی‌حاشیه و مظلوم بود و اصلا اهل داویدپاد و حاشیه‌سازی نبود. او در بدترین شرایط کارش را می‌کرد و به حاشیه‌ای نمی‌پرداخت. متأسفانه کسی که ۵۷ سال در این هنر کار کرده، هنوز اجاره‌نشین است و این دردی است که برای خیلی از هنرمندان همچنان بی‌درمان است. امیرصادقی به اواخر زندگی افرنديا اشاره کرد که سالی ۱۰میلیون هم کار نمی‌کرد، حتی برای سریال معمای شاه شش‌شش‌میلیون تومان بیشتر به او دست‌مزد ندادند. به گفته منوچهر شاسورای، مدیرعامل خانه سینما، متأسفانه بخش اعظمی از اهالی سینما در شرایط سخت کار می‌کنند. قطعا حق این افراد بیش از این است و همه موظف‌اند با دست، قلم و بیانشان نیازی که به‌طور واقعی برای این افراد است مطالبه کنند و حق برزمنی‌مانده این عزیزان را بخواهند. عزت‌الله رمضانی‌فر هم با بیان اینکه دست اجل دوباره یکی از دوستان و یاران صدیق ما را گرفت، گفت: سیدکاظم به دلیل سخته مغزی درگذشت. فشار بی‌کاری و کم‌کاری هنرمند را به اینجا می‌رساند و ما بارها این را گفته‌ایم، اما کجاست گوش شنوا.